

شهید سید فخرالدین هاشمی تنگستانی



نام پدر	سید محمد رضا
تاریخ تولد	۱۳۴۶/۰۹/۱۲
محل تولد	بوشهر - بوشهر
تاریخ شهادت	۱۳۶۵/۰۱/۲۹
محل شهادت	فاو
مسئولیت	تخریب چی
نوع عضویت	پاسدار وظیفه
شغل	پاسدار وظیفه
تحصیلات	سوم راهنمایی
مدفن	بوشهر

زندگینامه

زندگینامه شهید

خاطرات

پدر شهید:

که جوانی بود سربزیر، مغرور، مودب، با خدا و مسجدی. هرچه درباره این جوان بگویم باز هم دوباره نمی‌توانم خصوصیات این شهیدان بیان کنم. به اندازه‌ای این جوان خوب بود که حتی بدون اجازه پدر و مادر کاری انجام نمی‌داد.

در ۷ سالگی وارد دبستان شد و تحصیل خود را تا حدود ۹ کلاس به پایان رساند در سن ۱۸ سالگی که رسید این جوان بیشتر شوق به سجد و نماز و احکام به سرش جا گرفته بود که هنوز به سن ۲۰ سالگی نرسیده بود که تقاضای رفتن به سربازی نمود. و با گرفتن کارت سربازی عازم خدمت شد در خدمت طوری بود واقعاً صادقانه خدمت می‌کرد. و با یک شوق وارد سربازی شد پس از مدتی که در جبهه خدمت نمود. روزی ما در انتظار بودیم که وارد منزل شد از او سوال کردیم شما چطوری از جبهه جدا شدید و به بوشهر آمدید نکند طوری باشد. که شما از جنگ فرار کرده باشید و صحنه جنگ را پشت سر گذاشته باشید. گفت: نه پدر این شوق یست من به اندازه‌های آشنایی با جبهه دارم حالا هم که آمدم بخاطری که شما را ببینم به خدا من آن مرکز اصلی که جبهه جنگ باشید به آن علاقه دارم و حاضر نیستم یک لحظه از آن مرکز جدا شوم. گفتم چند روز مرخصی دارید گفت ۲۱ روز، مدت ۱۸ روز گذشت که از ما خداحافظی کرد و باز مجدداً مرکز اصلی که جزیره فاو باشد، خودش را معرفی کرد مدتی که گذشت اطلاع پیدا کردیم که به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

ما که پدر و مادر او بودیم مرگ این جوان را چون برای اسلام و میهن و قرآن و خدا بود در عوض که ما ناراحت بشویم ما پدر و مادر بودیم خوشحال شدیم. و هیچ گونه ناراحتی به خود را ندادیم. برای اینکه مرگ جوانمردانه بود و

ما از خداوند تبارک و تعالی می‌خواهیم که روح این جوان را شاد کند. و صبری هم به ما که پدر و مادر این جوان هستیم عطا کند. خصوصاً به تمام پدر و مادران که جوانشان در این راه طبق اخلاص گذاشتن و هدیه برای راه خدا دادن.

پسر کو ندارد نشان از پدر تو بیگانه خوانش ننامش پسر

البته این شهید علاقه بخصوص نسبت به ورزش داشت. و این رشته ورزشی که به ریشه خود قرار گرفت از بنده که پدر شهید بودم بهره گرفت در اوقات فراغت جز رفتن به مسجد و اماکن مقدسه جایگاهی که بحث دینی و مذهبی بود به جایگاهی که سلامتی تلاوت می‌کرد چیزی دیگر جایی دیگر نداشت چند سال در باشگاه مشغول ورزش بود تا اینکه به سربازی خودش را معرفی کرد. در رشته ورزشی کاراته خودش را آماده می‌کرد.

حاج آقا تربیت بدنی از شما هم سراغ می‌گیرند؟

بله هر سال لطف خودشان به ما مرمت می‌کند و سری به ما می‌زنند و یادی از ما میکنند و من واقعاً از اینکه شهید را فراموش نکردند و همیشه او را یاد می‌کنند زحمت زیادی می‌کشند و وارد این کلبه ما می‌شوند و سراغ ما می‌گیرند از همه آنها سپاسگذارم.

حاج آقا بیشتر با کدام همسایه رابطه داشتند:

بیشتر با پسر دایی شهید یعنی سید ماشاءالله هاشمی رابطه زیادی داشت خود فامیلی ها و جواانمان همان محلی که من روی آنها شناسایی دارم واقعا همه آنها جوانان مودب و خوب و مسجدی و عاقل همه اینها بودن.

حاج آقا به عنوان آخرین سوال می خواهم بگویم پیامی برای

هم سن های شهید به حساب بسیجیها و کسانی که می توانند ادامه دهنده راه امام باشند بفرمایید:

پیام من این است که ما انتظار داریم از کلیه جوانهای امروز به این مرز و بوم خصوصاً این بندر بوشهر زندگی می کنند پیرو این اسلام و قانون خدا و پیغمبر خدا و مملکت بوده باشند و این را پرشرافت و شکوهمند کلیه جوانان ادامه دهند و این کشور اسلامی ما با ریختن خون جوانان آبیاری شد و ثمر رسید آنها بیشتر از این آبیاری کنند و نگذارید.



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران